

رفتارشناسی دولت‌های مختلف در قبال طوفان الاقصی

دکتر احد نوری اصل



دکترای علوم سیاسی

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سال ۲۰۲۳ برای منطقه غرب آسیا، جهان اسلام و نظام بین‌الملل، وقوع طوفان الاقصی و قدرت و اقتدار مقاومت در برابر ۷۰ سال اشغالگری صهیونیست‌ها از یک سو و در ادامه، روند تجاوزگری وحشیانه صهیونیست‌ها علیه زنان و کودکان نوار غزه بود. این مهم، ماهیت طرفین درگیری هفت دهه گذشته را به رخ جهانیان کشید. در این بین، واکنش یکدست افکار عمومی جهان در تحسین مقاومت و نفرت همه‌جانبه از پاسخ وحشیانه صهیونیست‌ها برخلاف رویکرد و منش بسیاری از دولت‌ها به ویژه دولت‌های غربی بود. در این تحلیل، رفتارشناسی کشورهای غربی، چین، روسیه و سایر کشورهای عربی منطقه و همچنین رویکرد جبهه مقاومت در قبال این تحولات مورد ارزیابی قرار گرفته است.

عملیات طوفان الاقصی را باید نقطه عطفی در اشغال ۷۰ ساله و دامنه دار فلسطین و حتی تحولات آینده منطقه و جهان به شمار آورد. شنبه، هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، تاریخی است که در حافظه جمعی ملت‌های منطقه خواهد ماند. با وجود پاسخ وحشیانه صهیونیست‌ها به این عملیات و کشتار زنان و کودکان، عملیات طوفان الاقصی تبلور ثمردهی دهه‌ها مقاومت و ایستادگی مردم فلسطین بر ضد صهیونیست‌های اشغال‌گر و غاصب است. این عملیات که پیامدها و تأثیرات فوق‌العاده‌ای در سطوح مختلف (فلسطین، منطقه و جهان) بر جای خواهد گذاشت، از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است.

در این یادداشت، رفتار دولت‌ها و کشورهای مختلف در مورد این عملیات و روندهای بعدی آن به ویژه پاسخ وحشیانه صهیونیست‌ها علیه کودکان و زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، سیاست‌های اعلانی و رفتارهای عملی و کنشی کشورهای عربی، جبهه مقاومت، کشورهای غربی، روسیه و چین در قبال این عملیات ارزیابی می‌شود.

۱. دولت‌های غربی و حمایت همه‌جانبه از صهیونیست‌ها

آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا پس از عملیات حماس علیه رژیم صهیونیستی با صدور بیانیه‌ای، علیه حماس موضع گرفتند. این کشورها در واقع دفاع مشروع مردم فلسطین علیه ظلم و تجاوز رژیم صهیونیستی را هدف قرار می‌دهند و آشکارا جنایت مستمر صهیونیست‌ها علیه مردم مظلوم فلسطین را نادیده می‌گیرند. آنان برای این که همبستگی خود را با این رژیم نشان دهند، از اعلام موضع صرف، فراتر

رفتند و برای نشان دادن همبستگی خود، زنجیره‌ای از دیدارهای دوجانبه را برنامه‌ریزی کردند؛ برای نمونه، در ۱۷ اکتبر، اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، برای ابراز همبستگی با صهیونیست‌ها از سرزمین‌های اشغالی بازدید کرد. جالب آنکه هنگام خروج از فرودگاه بن‌گوریون، پس از به صدا درآمدن زنگ موشک، او را به یک پناهگاه منتقل کردند.

در ۱۸ اکتبر، جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده وارد تل‌آویو شد و در فرودگاه بن‌گوریون مورد استقبال آیزاک هرتزوک، رئیس و بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قرار گرفت. در یک کنفرانس خبری، او مدعی شد که رژیم صهیونیستی بمباران بیمارستان الممعدانی در غزه را انجام نداده است و آنچه را که او «تیم دیگر» می‌خواند، مسئول این حمله می‌داند. نخست‌وزیر بریتانیا، ریشی سوناک، در ۱۹ اکتبر وارد سرزمین‌های اشغالی شد تا با نتانیا‌هو ملاقات کند و به غیرنظامیانی که در حملات اولیه کشته شدند، تسلیت بگوید. در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۳، نخست‌وزیر ایتالیا، جورجیا ملونی، برای ابراز همبستگی با این کشور، از سرزمین‌های اشغالی بازدید کرد. رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، در ۲۴ اکتبر وارد اسرائیل شد. علاوه بر وی، نخست‌وزیر چک، پتر فیالا، در ۲۵ اکتبر وارد اسرائیل شد.

مجموعه دیدارهای بالا نشان داد که کشورهای غربی، به شکلی آشکار، هر جا که پای منافع آنان در میان باشد، چشم خود را بر روی کشتار هزاران انسان بی‌گناه خواهند بست.

علاوه بر این، سازمان ملل نیز به‌عنوان نهاد صوری تنظیم‌کننده روابط بین‌الملل، به شکلی کاملاً منفعلانه با

موضوع برخورد کرد. دبیرکل سازمان ملل در ادامه روند واکنش های بی فایده به جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان و محکوم نکردن تل آویو، از کشتار افراد حاضر در بیمارستان غزه تنها ابراز ناراحتی کرد! این امر در کنار وتوی قطعنامه آتش بس در غزه توسط ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل، نشان دهنده استاندارد دوگانه حاکم بر این نهاد و کشورهای غربی بوده است.

۲. عملیات حماس و رفتارشناسی روسیه در اوکراین
پوتین، رئیس جمهور روسیه که کشورش درگیر جنگ با اوکراین و تنش سیاسی اقتصادی گسترده با دولت های اروپایی و کشور آمریکا است، در نخستین اظهارات خود درباره عملیات نظامی حماس گفت که انفجار خشونت بین اسرائیل و فلسطینی ها نشان می دهد که سیاست آمریکا در حوزه غرب آسیا شکست خورده است و نیازهای فلسطینی ها را در نظر نگرفته است. وی به طور مشخص اذعان کرد که: «فکر می کنم بسیاری از مردم با من موافق هستند که این یک نمونه واضح از شکست سیاست ایالات متحده در خاورمیانه است».

به نظر می رسد این تغییر لحن، نشان دهنده شکاف بزرگ تربین مسکو و تل آویواست که از زمان شروع جنگ در اوکراین رخ داده است. علاوه بر این، بحران ایجاد شده در منطقه غرب آسیا، از نظر کرملین می تواند سودمندی هایی داشته باشد. به طور مشخص، آشفتگی ایجاد شده در منطقه، توجهات جهانی را از اوکراین منحرف می کند و بیشتر تلاش ها به خاموش شدن آتش تنش میان حماس و رژیم صهیونیستی متمرکز می شود.

به طور کلی باید اذعان داشت که جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا و سایر رهبران غربی، مدت ها است که از تشدید جنگ اوکراین نگران هستند و به دلیل ضعف آنان در پشتیبانی نظامی از اوکراین، چنین تصور می کنند که افزایش حملات روسیه، کار اوکراین را یکسره کرده است و توازن قدرت را به هم می ریزد.

حال به نظر می رسد که وضعیت جدید منطقه غرب آسیا، چنین فرصت طلایی را در اختیار روسیه قرار داده است تا در سایه انحراف توجهات، ضربه نهایی را به اوکراین وارد سازد. این امر البته محتاج مرور زمان است تا در یک سیر طبیعی، نتایج عملیات طوفان الاقصی، تأثیرات خود را بر تحولات منطقه اروپای شرقی نشان دهد.

۳. جهان عرب و معامله ای بر بادرفته

برای رژیم صهیونیستی، عادی سازی روابط با بیشتر کشورهای عربی به ویژه در قامت طرح «معامله قرن» که از سوی ترامپ مورد حمایت جدی بود، همیشه یک هدف استراتژیک در چند سال اخیر بوده است. برای برخی دولت های عربی و به ویژه عربستان سعودی نیز تحقق کامل این معامله، یکی از اهداف مهم منطقه ای بوده است.

زرف ماه های گذشته، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با ایالات متحده آمریکا در مورد توافقی برای عادی سازی روابط گفتگو کرده اند. ایالات متحده آشکارا اعلام کرده است که روابط رسمی بین دو متحدش در خاورمیانه اولویت اصلی است و آنتونی بلینکن آن را معادل با «منافع امنیت ملی» اعلام کرده است. در همین رابطه، محمد بن سلمان،



این بیانیه آمده است: «عربستان بار دیگر هشدارهای مکرر خود درباره خطرات انفجار اوضاع در نتیجه ادامه اشغالگری و محروم ماندن ملت فلسطین از حقوق مشروعشان و همچنین تکرار اقدامات تحریک‌کننده هدمند علیه مقدسات آن‌ها را تکرار می‌کند».

این بیانیه و موضع عربستان سعودی در قبال عملیات طوفان الاقصی نشان می‌دهد برخلاف مدت‌ها کار چندجانبه میان عربستان، آمریکا و صهیونیست‌ها برای پیشبرد طرح عادی‌سازی در قبال پروژه‌هایی همچون معامله قرن، همچنان افکار عمومی جهان عرب، نظر متفاوتی با حاکمان خود دارد و به رژیم صهیونیستی به چشم رژیم غاصب می‌نگرد؛ بنابراین، تحولاتی مشابه اقدام بزرگ نیروهای حماس، نشان می‌دهد که چنین طرح‌هایی بریسترهای بی‌بنیادی قرار دارند و برخلاف لفاظی در سطح رسانه‌ها، همچنان موانع

چند روز پیش از عملیات طوفان الاقصی، در گفتگو با فاکس نیوز، آشکارا اعلام کرده بود: «هر روز به یک توافق عادی‌سازی با اسرائیل نزدیک ترمی شویم». ریاض خواهان یک پیمان دفاعی با آمریکا - شامل محدودیت‌های کمتر در فروش تسلیحات آمریکا به آن - و کمک به توسعه برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود بوده است.

عربستان سعودی که تقریباً زمینه‌ها را برای عادی‌سازی به طور کامل مساعد می‌دید، به یک‌باره با عملیاتی رویه‌رو شد که تمام برنامه‌های آن کشور را برای توجیه عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی برای افکار عمومی جهان مسلمان و عرب مختل کرده است.

از آنجا که رژیم صهیونیستی نزد افکار عمومی عرب از جایگاه نامناسبی برخوردار است، عربستان سعودی در بیانیه خود در این رابطه تلاش کرد تا برخلاف رویه عملی خویش، حق مردم فلسطین را به رسمیت بشناسد و بر مظلومیت فلسطینی‌ها تأکید نماید. در بخشی از



چین برای «پیشروی به غرب» و آسیای میانه و ورای آن است.

با آغاز طرح راه ابریشم جدید که شی جین پینگ در سپتامبر ۲۰۱۳ به صورت رسمی آن را اعلام کرد، استراتژی پکن در غرب آسیا در چارچوب ساخت یک کمربند راه ابریشم هوایی و راه ابریشم دریایی قرار گرفت که چین را به غرب آسیا و ماورای آن پیوند می‌دهد. به همین منظور چین تا به حال تلاش کرده است با عدم دخالت مستقیم در رویارویی‌های منطقه‌ای، توازن در روابط را مدیریت کند.

چین در مناقشات منطقه غرب آسیا بی‌سروصدا بوده است و تا جایی که ممکن است، از به چالش کشیدن موضع ایالات متحده آمریکا در منطقه خودداری ورزیده است. باید توجه داشت که یک مؤلفه مهم راهبرد چین، برقراری رابطه مطلوب و حسنه با همه طرف‌ها در منطقه است. چین تاکنون در حفظ روابط

عملی زیادی بر سر راه عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی وجود دارد. در شرایط جدید، شکست غیرقابل ترمیم صهیونیست‌ها در میدان عملیاتی، آنان را در بلندمدت دچار زوال خواهد کرد و به طور هم‌زمان، عربستان سعودی را نیز در پیگیری طرح عادی سازی مردم خواهد نمود؛ چراکه در شرایط کنونی هزینه‌های چنین امری، بسیار بیشتر از فواید آن تلقی خواهد شد.

۴. رویکرد چین نسبت به عملیات طوفان الاقصی
منافع اقتصادی و همچنین تلاش برای «تجدید موازنه» بین سیاست‌های داخلی، خارجی و امنیتی در چارچوب راهبرد «طرح یک کمربند یک جاده»، محرک اصلی سیاست پکن در خاورمیانه است. علاقه و تعامل روزافزون در حوزه خلیج فارس، بازتاب وابستگی فزاینده به منابع انرژی این منطقه و تلاش‌های

سایر اجزای محور مقاومت به جنگ، حمایت گسترده آمریکا و سایر متحدان غربی خود را نیز جلب نمایند و به صورت کلی فضا را علیه جمهوری اسلامی و محور مقاومت تحریک و تهییج کنند.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران و ارکان محور مقاومت منطقه، موضعی هوشمندانه و مبتنی بر عقلانیت در دست گرفته اند. در این رابطه می‌توان به مواضع رسمی و همچنین آماده‌باش و آرایش نظامی محور مقاومت در سراسر منطقه در جریان تحولات اخیر اشاره کرد؛ برای نمونه بیانات حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، تجلی درخشانی از عقلانیت حاکم، برکنش نظامی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران (ام‌القرای محور مقاومت منطقه) بود.

این منطق عقلانی، همواره ضامن تأمین منافع ملی و حداکثرسازی آن در محیط پراشوب منطقه‌ای و جهانی بوده است و امنیت و تمامیت سرزمینی کشور ما را حفظ کرده و همچنین عمق و گستره قدرت محور مقاومت را توسعه بخشیده است. در مجموع باید اذعان داشت که جمهوری اسلامی ایران و سایر ارکان محور مقاومت در جریان جنگ غزه، هوشمندی و ظرافت مخصوص را به کار گرفتند و مانع از تحقق اهداف شوم صهیونیست‌ها شدند.

درگیر شدن رژیم صهیونیستی در یک بحران فرسایشی که طرف آن نه کلیه اجزای محور مقاومت بلکه تنها فلسطینیان و جنبش‌های مقاومت فلسطینی باشد، خود یک مزیت و نقطه قوت برای آینده محور مقاومت

مطلوب با جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی موفق بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد چین در قبال عملیات طوفان الاقصی نیز تلاش دارد تا رویکرد خود مبتنی بر میانجی‌گری و حفظ رابطه با تمامی طرف‌ها را همچنان حفظ کند. در موضع‌گیری چین نسبت به این عملیات، آشکارا اعلام شده است که: «وزارت خارجه چین از جامعه بین‌المللی می‌خواهد با فوریت بیشتری اقدام کند و شروع سریع و دوباره مذاکرات صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل را تسهیل نماید و راهی برای یک صلح پایدار ایجاد کند». این دیدگاه چین، در ادامه حرکت عمومی این کشور برای برجسته نمودن نقش میانجی خود در منازعات و اختلافات بزرگ بین‌المللی است و تلاش دارد تا تصویری از یک میانجی بزرگ و مؤثر را از خود در افکار عمومی جهانی جا بیندازد.

۵. محور مقاومت و راهبرد عقلانیت آرمان‌گرا

رژیم اشغالگر قدس همواره در طول دوران حیات نامشروع و خسارت‌بار خود، با بهره‌برداری از تاکتیک «مظلوم‌نمایی»، در پی جلب حمایت بازیگران مهم بین‌المللی و همچنین برانگیختن احساسات عمومی بوده است. در کنار این تاکتیک، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، با متهم‌سازی جمهوری اسلامی ایران در کنار حماس، آن‌ها را به زعم خود «محور شرارت دانسته» و در حقیقت، عملیات اخیر را به جمهوری اسلامی نسبت داد. هیچ تردیدی نیست که مطلوب دولت نتانیاهو و همچنین سایر احزاب و گروه‌های صهیونیستی آن بود تا با کشاندن پای ایران و

منابع

خبرگزاری مهر (۱۴۰۲) واکنش کشورهای مختلف به قتل عام مردم غزه توسط رژیم صهیونیستی، تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

• <https://www.mehrnews.com/news/5914200/>

خبرگزاری فارس (۱۴۰۲) تشدید تنش‌ها در خاورمیانه نمایانگر شکست سیاست آمریکا است، تاریخ انتشار

۱۴۰۲/۰۷/۱۸
• <https://www.farsnews.ir/news/14020718000797>

مرکز اطلاع رسانی فلسطین (۱۴۰۲)، بن سلمان: هر روز در حال نزدیک‌تر شدن به توافق با اسرائیل هستیم، تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۶/۳۰

• <https://farsi.palinfo.com/news/2023/9/21/>
خبرآنلاین (۱۴۰۲)، واکنش عربستان به عملیات

«طوفان الاقصی»، تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
• <https://www.khabaronline.ir/news/1822129/>

بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

• <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54056>

به شمار می‌آید. مهم‌ترین پیامد این وضعیت آن است که دشمنان جهانی محور مقاومت باید این واقعیت غیرقابل انکار را فهمیده باشند که ایران و متحدان منطقه‌ای آن، قدرتی نهادینه و غیرقابل افول در منطقه دارند و باید با نظم منطقه‌ای مورد نظر محور مقاومت کنار آمد.

نتیجه‌گیری

عطف به موارد مطرح شده در مورد رویکرد کشورهای مختلف نسبت به عملیات طوفان الاقصی، چند نتیجه مهم می‌توان از روندهای صورت گرفته دریافت کرد. نکته اول این است که افکار عمومی جهان به صورت همه‌جانبه با اکثریت مطلق، تحسین‌کننده مقاومت و محکوم‌کننده وحشی‌گری صهیونیست‌ها بوده‌اند اما رویکرد بسیاری از دولت‌ها، متفاوت از حقانیت طلبی افکار عمومی جهان بوده است.

نکته دوم این است که این دولت‌ها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. دولت‌های حامی آشکار صهیونیست‌ها که شامل دولت‌های غربی به رهبری آمریکا است. دسته دوم، حامیان پنهانی صهیونیست‌ها هستند که دربرگیرنده برخی شیوخ عرب در منطقه است. دسته سوم کشورهای هستند که منافع خود را دنبال می‌کنند؛ مثل روسیه و چین و از فضای به وجود آمده به دنبال سیاست‌های خود در منطقه و نظام بین‌الملل هستند و دسته آخر کشورهای حامی مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی هستند که سال‌ها است در مقابل رژیم صهیونیستی قرار دارند و از گروه‌های مقاومت در فلسطین اشغالی حمایت می‌کنند.